

شناسایی و ارزیابی مولفه‌های هنر عمومی موثر در خلق تجربه‌های دموکراتیک دهه ۸۰ (نمونه مطالعاتی: بوستان آب و آتش شهر تهران)

چکیده:

سیر تحول هنر عمومی در ایران تغییرات چشم‌گیری را به همراه داشته است؛ به خصوص بعد از دهه ۱۳۸۰ هنر اجتماعی و گفتمانی به تدریج جای خود را به هنر تزئینی، فرمالیستی و انتزاعی داده است و گفتمان بازسازی با کارکرد اجتماعی که هم‌سویی و هم‌بستگی اجتماعی را به همراه داشت، کمرنگ‌تر شد؛ از سوی دیگر، نیاز به محیط‌های انسانی و پر جنب‌وجوش در شهرهای شلوغ و پر ازدحام امروزی نیازی است که فکر تمامی مسئولین شهری از قبیل طراحان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری را به خود مشغول کرده است، بنابراین، این پژوهش با هدف در نظر گرفتن نقش مخاطب در بازپس‌گیری و نحوه استفاده از فضا در ارتباط با فعالیت‌های هنری و هنر عمومی و ارتقای کیفی فضای دموکراتیک به بررسی میزان تاثیر مولفه‌های هنر عمومی در خلق و تجربه فضای دموکراتیک دهه ۸۰ در بوستان آب و آتش شهر تهران پرداخته است. این پژوهش به روش ترکیبی لانه به لانه کیفی در کمی است که برای بخش کیفی از نرم‌افزار Atlasti و بخش کمی از SPSS بهره گرفته شده است. نتایج حاکی از آن است که بیش‌ترین سهم مولفه‌های هنر عمومی مربوط به دیوارنگاره‌ها، المان‌های سازه‌ای، نمایش هم‌زمان، انجام جشن و مراسم و نورپردازی که ضریب تعیین هر یک از آن‌ها ۱ است، می‌باشد. سپس، فواره‌های آب و آتش المان‌های مشاهیر با مقدار (۰/۸۹۳) و فرم‌های ساختمانی با مقدار (۰/۸۴۶) در مرتبه‌های بعدی قرار دارند. کم‌ترین سهم‌ها مربوط به مجسمه سنگی با مقدار (۰/۴۲۷) و سالن آملی تئاتر با مقدار (۰/۳۶۲) و پیست اسکی با مقدار (۰/۴۶۷) می‌باشند.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴

معصومه صمدی رازلیقی

گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: samadim251@iausr.ac.ir

محمد رضا مریدی

(نویسنده مسئول)، گروه پژوهش هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

Email: moridi. mr@gmail.com

پرناز گودرز پروری

گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: p.goodarzarparvari@iauctb.ac.ir

واژگان کلیدی: هنر عمومی، دهه هشتاد، تجربه دموکراتیک، فضای عمومی، بوستان آب و آتش

مقدمه

در سال‌های پس از انقلاب، هنر عمومی در گفتمان‌های اجتماعی متأثر از سه دهه بوده است. گفتمان پاک‌سازی یا منزه‌سازی در دهه ۶۰ با کارکرد اخلاقی، نوستالژیک و وحدت‌بخش، اخلاق جمعی و پایداری را به دنبال داشت. با پایان جنگ و شروع دهه ۷۰، زندگی روزمره در ایران تغییرات زیادی داشت و اخلاق قهرمانی و شجاعت و دلاوری دوران جنگ، جای خود را به عقلانیت و محاسبه‌گری دوران سازندگی داد (Zieleniec, 2007:146). نسل جدید از قهرمانان دهه‌های قبل فاصله گرفت تا به گونه‌ای دیگر زندگی روزمره خود را شکل دهد. از این رو، تضاد اساسی این است که، زندگی قهرمانی سیطره خطر و خشونت و به استقبال خطر رفتن است؛ در حالی که زندگی روزمره سیطره زنان و تولیدمثل و مراقبت است (Bashirieh, 2001: 59). ایران که تجربه انقلاب و جنگ را پیش رو داشت، به خصیصه و اخلاق قهرمانی در هنر نیاز داشت نه اخلاق میان‌مایه که از خطر دوری می‌کند. در واقع، در دهه ۱۳۷۰ به سوژه‌های معمولی و روزمره بیش‌تر پرداخته شد. نقاشی‌های دیواری شهدا و جبهه‌های جنگ به تدریج، جای خود را به نقاشی‌های تزئینی، فرمالیستی و انتزاعی دادند (Moridi, 2014:147). سبک زندگی جوانان و پرسه‌زنی‌های خیابانی که در آغاز دهه ۱۳۸۰ نوعی بطالت محسوب می‌شد و به‌عنوان روزمرگی بی‌حاصل در نظام تربیت تلقی می‌گردید، در دهه ۱۳۸۰ به شکل غالب زندگی جوانان تبدیل شد. آن‌ها تجربه‌ای آزاد و رها را در پرسه‌زنی‌ها کسب می‌کردند که همه صورت‌بندی‌های فرهنگی، آموزشی و سیاسی را به بازی می‌گرفت. پرسه‌زنی به‌مثابه مصرف‌کننده شهری دمکرات توصیف شده است (Hall & Robertson, 2001: 203). پرسه‌زن در بهترین حالت قهرمان زندگی روزمره و علاقمند به زیبایی‌ها و ظرایف شهری است. پرسه‌زنی تولید فضاست؛ پرسه‌زنی هنر زندگی روزمره است و نحوه استفاده از فضا توسط پرسه‌زن اهمیت می‌یابد. گفتمان زیباسازی دهه ۱۳۸۰ با کارکرد فرهنگی سرزندگی عمومی نشاط و شور اجتماعی و گفتمان زیباسازی را به دنبال داشت (Ozsoy & Bayram, 2007: 98). در این میان رویدادهای هنری از جمله هنرهای عمومی دستخوش تغییر و تحولاتی شد. هنر عمومی نیز به تدریج، از تصاویر آرمانی (قهرمان‌ها) به تصاویر و نمادهای روزمره و تعاملی (تسهیل‌کننده) در حال تغییر است (Izad, 2007: 25). رویدادهایی که می‌توانند فضای گفتمانی را تثبیت یافته کنند و سرزندگی عمومی نشاط و شور اجتماعی و گفتمان

زیباسازی به همراه داشته باشند (Hein, 2004:1). به‌طور کلی با ورود هنر به عرصه عمومی، عوامل مؤثر بر معنای هنر تحت تأثیر شرایط و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی دچار تغییراتی شد؛ مخاطب شخصی و جمعی، قدرت‌های مرجع و هنرمندان همه در ساختن معنای هنر عمومی مؤثر بودند. این تغییر در روابط به‌نوعی تغییر در گفتمان است و این روش گفتمانی از هنر عمومی نتیجه عملکردهای اجتماعی در زمان و مکان خاص است (Pour Ahmad et al., 2010: 17). این پژوهش با هدف در نظر گرفتن نقش مخاطب در بازپس‌گیری، تصاحب و نحوه استفاده از فضا در ارتباط با فعالیت‌های هنری و هنر عمومی و ارتقای کیفی فضای دموکراتیک با فرض این‌که مؤلفه‌های هنر عمومی در خلق و تجربه دموکراتیک بوستان آب و آتش مؤثر است، سعی بر آن داشته است که به پرسش مولفه‌های هنر عمومی به چه میزان در خلق و تجربه فضای دموکراتیک دهه ۸۰ در نمونه مطالعاتی بوستان آب و آتش شهر تهران مؤثر بوده است، پاسخ داده دهد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از حیث نوع، کاربردی است. این نوع پژوهش برای به کار بردن شیوه جدید در جهت زندگی بهتر در جامعه به کار برده می‌شود و از جنبه نوع روش دارای روش ترکیبی کیفی در کمی (لانه به لانه) است. از آنجایی که هدف پژوهش حاضر بررسی کارکرد هنر عمومی در بیان و خلق فضا است و در چارچوب لوفور^۱، فضا هم بر ساخت‌های مادی است و هم بر ساخت‌های ذهنی، به‌طوری که فضای فیزیکی، فضای ذهنی و فضای اجتماعی، هر یک از سه نوع فضا متضمن دیگری است، شالوده دیگری را تشکیل می‌دهد و از وجود دیگری خبر می‌دهد؛ بنابراین، در بحث مفهوم اجتماعی فضا از روش کیفی و در بخش فضای فیزیکی و ذهنی از روش کمی کمک گرفته شده است. برای پاسخ دادن به پرسش مقاله نیز روش پژوهش لانه به لانه از نوع کیفی در کمی بهره گرفته می‌شود. در بخش کیفی، پژوهش حاضر از روش گراند تئوری برای انجام عملیات تحقیق، تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه نظریه نهایی استفاده شده است. این روش یک روش تفسیری استقرایی جهت نظریه‌سازی است که مبتنی بر یک سری مراحل کدبندی داده‌ها است. از این رو، چارچوب مفهومی گراند تئوری بیش‌تر به داده‌ها و بر ساخت‌های کنشگران وابسته است تا به مطالعات پیشین؛ به این معنا که، این نظریه داده محور بوده و از آزمون صرف فرضیه‌های قیاسی اجتناب می‌کند. در این راستا، تلاش

بر آن بوده است که فرآیندهای مسلط را در بستر اجتماعی از نگاه سوژه‌ها کشف کرده و پژوهش به توضیح محض داده‌ها و واحدهای مورد بررسی محدود نشود. داده‌ها در حین گردآوری آن‌ها بررسی شد. سپس، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری باز استخراج گردیده و کدبندی شده است. پژوهشگران مقاله حاضر، مقوله‌ها را بر داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه‌ها، بنیان گذارده‌اند. در نهایت، با استفاده از روش کدگذاری محوری، فرایند ربط دهی مقوله‌ها به زیر مقوله و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد صورت گرفت. این روند تا استخراج مولفه‌های هنر عمومی به صورت دایم صورت می‌گیرد. در بخش کمی، نتایج به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها وارد نرم افزار SPSS می‌شود و با آزمون‌های آماری استنباطی در دو مرحله، هم‌بستگی و پیش‌بین (رگرسیون چند متغیره) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

افضل طوسی و فاطمی (۱۳۹۹)، در مقاله «مطالعه روند آموزش خلاقیت به مثابه تجربه مخاطب در مجسمه‌های شهری» با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی، قصد دارد به ارتباط میان مجسمه‌های شهری به عنوان عاملی جهت آموزش خلاقیت به مخاطبین عام را بررسی کند. نتایج حاکی از آن است که، اگر تجربه حس کنجکاو را برانگیزد ابتکار را در مخاطب تقویت کرده و نیروی محرکی را در مخاطب ایجاد می‌کند که می‌تواند سبب‌ساز بروز خلاقیت و یادگیری خلاقیت در وی گردد و بر وسعت تخیل در مخاطب می‌افزاید. مطالعه موردی مد نظر، مجسمه‌هایی است که در شهر پدیده شاندیز نصب شده و خود به عنوان عنصری خلاقانه در فضای عمومی و در ارتباط با مخاطب عام خودنمایی می‌کند. مقاله «سبک نو هنر عمومی به مثابه ابزار توسعه خلاقیت جمعی» نوشته زجاجی و همکاران (۱۳۹۸)، با استناد به رویکرد جامعه‌شناسی فرهنگی به خلاقیت جمعی، در صدد پاسخ به این پرسش است که، آیا می‌توان از هنر عمومی به عنوان هنری که با فضای عمومی مرتبط است، در راستای ارتقای خلاقیت جمعی بهره جست؟ نتایج حاکی از توانایی هنر عمومی در توسعه خلاقیت جمعی است. در مرحله بعد، با توجه به تعدد انواع هنر عمومی، نوع مناسب هنر عمومی برای گسترش خلاقیت جمعی معرفی گردید. وحدت و سجادزاده (۱۳۹۵)، در مقاله «بررسی و ارزیابی نقش هنر شهری در افزایش میزان حضور پذیری فضاهای

عمومی با تاکید بر گرافیک شهری (نمونه موردی: پارک مردم همدان)» به بررسی نقش هنرهای عمومی و شهری با تاکید بر گرافیک شهری در حضور پذیری و مردم‌گرایی فضاهای عمومی می‌پردازند. بر اساس نتایج تحقیق، می‌توان ابعاد مفهومی گرافیک شهری را با رویکرد افزایش میزان حضور پذیری فضاهای شهری در قالب چهار مولفه عوامل کالبدی، عوامل اجتماعی، عوامل معنایی، عوامل محیطی و ۲۴ شاخص و زیر معیار، طبقه‌بندی و ارائه نمود. مرادی (۱۳۸۶)، در مقاله «هنر عمومی و تلفیق آن با فضای شهری» با هدف شفاف‌سازی تعاریف، تبیین و تاثیرات هنر عمومی و شهری صورت می‌گیرد و به این پرسش پاسخ می‌دهد که، آیا هنر عمومی می‌تواند با حضور خود در فضای عمومی به عنوان محلی برای مرادوات اجتماعی، به تحکیم هویت بومی کمک کند؟ به این نتیجه می‌رسد که، در کنار جذابیت‌های ایجاد شده در فضای عمومی، زمینه‌گرایی هنر عمومی - که در حد اعلا است - خاطرات عموم و استفاده‌کنندگان فضا را جزئی از مصالح و در عین حال زمینه‌ای برای تولید کار هنری معرفی می‌کند و می‌تواند نقطه قوتی برای همگان به حساب آید. رستمی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله «تبیین و ارزیابی مولفه‌های هنر عمومی (نمونه موردی پارک لامپینی بانکوک و ایل گلی تبریز)» با هدف بررسی شاخص‌های مختلف و کمبود و ارزیابی این شاخص‌ها در دو پارک با روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است. نتیجه این تحقیق این است که، دو پارک از لحاظ ویژگی‌های اولیه در سطحی برابرند؛ اما از نظر هنر عمومی دارای تفاوت‌هایی هستند. شهابیان و حقیقی (۲۰۰۴)، در مقاله «واکاوی نقش هنرهای عمومی در موفقیت فضای شهری میدان نقش جهان اصفهان» با هدف معرفی انواع هنرهای عمومی از یک سو و شناسایی عوامل زمینه‌ساز موفقیت فضاهای شهری از سوی دیگر و نحوه ارتباط این دو با یکدیگر، به این نتیجه رسیدند که می‌توان با ارائه انواعی از بازی‌های همگانی - که در گذشته در میدان حضور داشتند - افراد را برای حضور بیش تر تشویق کرد. کاشی (۱۳۸۵)، در مقاله «دموکراسی و فضای شهری» به توضیحی درباره فضا، مکان، زمان و بیان ارتباط میان آن‌ها به توضیحی تفسیری بر ساختی پرداخته است و اذعان می‌کند که چگونه اشخاص و گروه‌های اجتماعی، هر کدام فضا را از منظر خاصی مورد ملاحظه قرار می‌دهند، به این ترتیب، هم‌بستگی و تعامل موثر در فضا، مستلزم، وجوه نمادین است. میتچل (۲۰۱۰)، در مقاله «پایان فضای عمومی، پارک مردم، تعاریف عمومی و دموکراسی» نوشته است، خیابان هم مکان تردد است

مبانی نظری

فضای عمومی

فضا، هستی اجتماعی ما را به عنوان فرد و جامعه ساخت می دهد. در واقع بین فضا و جامعه یک رابطه متقابل و دوسویه وجود دارد. از یک سو، این اجتماع انسانی است که به فضا شکل می دهد و آن را مطابق با نیازهای خود تغییر می دهد و از دیگر سو، ویژگی های یک فضا و امکانات آن، نحوه بهره برداری و نوع فعالیت های انسان را تعیین می کند. هنری لوفور، جامعه شناس و فیلسوف مارکسیست فرانسوی، مبدع نظریه تولید فضا است، او به دنبال تغییری در مفهوم پردازی های رایج درباره فضا در علوم انسانی بود. لوفور، اذعان می کند که فضا یک لوح سفید نیست؛ بلکه توسط جامعه تولید می شود. بنابراین، فضای اجتماعی یک تولید اجتماعی است. از نظر وی، فضا به خودی خود - در مفهوم دکارتی - مفهومی تهی است و باید آن را ذاتاً اجتماعی در نظر گرفت؛ فضا در نزد لوفور یک محصول اجتماعی است (Lefebvre, 2009: 26). به این معنا که در تولید آن، مجموعه هستی های اجتماعی افراد در کنش متقابلی که با یکدیگر برقرار می کنند؛ سبب می شوند که فضا شکل گیرد. به این ترتیب، صرف اندیشه شهر ساز یا برنامه ریز شهری باعث تولید فضا نمی شود. به عبارتی، همان تضادهایی که برای یک محصول وجود دارد، بر فضا نیز مترتب است؛ با این تفاوت که فضا در باز تولید شرایط موجود به نحو مؤثری تاثیر گذار است (Lefebvre, 1991: 125). هر جامعه ای یک فضای خاص خودش را تولید می کند، بنابراین، فضا یک تولید اجتماعی که مبتنی بر یک شیوه تولید است. از این رو، فضا نمی تواند بدون درک جامعه فهم شود، چرا که فضا یک ابژه ایستاییست؛ بلکه همان طور که ذکر شد، یک تولید اجتماعی است. فضا یک محصول اجتماعی است؛ بین فضا و ساختارهای مسلط بر آن و جامعه و کنش گران اجتماعی رابطه ای متقابل و دوسویه وجود دارد. فضا محصولی اجتماعی و سیاسی است و فهم آن مستلزم توجه به چگونگی بر ساخت و مصرف اجتماعی آن است (Pour Ahmad, 2010: 17). فضای سه گانه زیسته، انگاشته و دریافته لوفور در ارتباط با یکدیگر فضا را هم چون واقعیتی اجتماعی تولید می کنند و می توانند یکدیگر را تقویت کنند؛ ارتباط درونی این سه لحظه از فضا باید به گونه ای باشد که فرد بتواند بدون سردرگمی میان آن ها جابه جا شود و منجر به تولید و باز تولید اجتماعی شود (Sanoff, 2010: 35). در واقع، تصورات پیشینی است که هر کنش گر پیرامون فضا دارد و تصویری ذهنی برای او می سازد. لوفور معتقد است که عناصر لازم برای ساخت چنین تصویری،

و هم فضایی برای گفتمان انتقادی است و تنش بین فضاهای عمومی و خصوصی - که در بین خیابان ها پخش می شوند - وجود دارد. نتایج حاکی از آن است که هنرمندان خیابانی در دو جنبه به صورت هم زمان فعالیت می کنند؛ یکی، ایجاد خلاقیت در شهر و دیگری، سیاست های نوسازی شهری است. گودسل (۲۰۰۳)، در مقاله «مفهوم فضای عمومی و ساختار دموکراسی» اذعان دارد که اصطلاح فضای عمومی بسته به رشته های علمی دارای چندین معناست. هدف این مقاله ایجاد مفهوم یک پارچه در فضای عمومی است که به ادبیات متنوعی در دیدگاه های گوناگون مرتبط می شود. هم چنین، شناخت تجربی این فضا و تاثیرات آن در فضای عمومی و دموکراسی است در نتیجه، مشخص شد که سازگاری در فضای عمومی تاثیر مستقیمی بر فرهنگ و نوع شکل گیری فعالیت های مشارکتی به وجود آورنده دموکراسی در فضا دارد. پورسل (۲۰۱۶)، در مقاله «حقیقت شهری: مبارزه های برای دموکراسی در قلمرو عمومی شهری» با هدف کمک به تفسیر مباحث در مورد تغییر حکمرانی در جامعه محلی، به انجام یک تحلیل دقیق تر از مفهوم هنری لوفور پرداخته است. ایده لوفور تحول کاملی را در شهر تصور می کند و آن را به عنوان یک جامعه سیاسی می داند که شامل دموکراتیزه کردن رادیکال در شهرهاست که او بیان می کند یک مبارزه مداوم و جمعی توسط ساکنان شهری برای مدیریت شهر توسط خود آن ها بدون دولت و بدون سرمایه گذاری وجود دارد. نیک محمد و فلاحین جاسمی (۲۰۱۵)، در مقاله «نقش هنر عمومی در منظر شهری مالزی در جهت ارتقای کیفیت زندگی: تعامل زیبایی و ارزش های عملکردی» اذعان دارند که هنر عمومی به عنوان اثری هنری تعریف شده است که در خارج از مناطق و در مکان های عمومی قرار می گیرد و عمدتاً برای ستایش و مشاهده هنر عمومی در دسترس عموم قرار دارد. نتیجه این مقاله می تواند باعث درک بهتر از هنر عمومی در فضای شهری شود. مولر (۲۰۱۹)، در مقاله «صداهایی در شهر، نقش هنرها، هنرمندان و فضای شهری برای یک شهر عادلانه، به نقش هنرمندان در به وجود آوردن عدالت شهری» می پردازد و به وسیله نظریه جین جیکوبز به اهمیت مداخله هنر برای ایجاد یک شهر دارای تنوع فضایی و ایجاد نظم بصری پرداخته می شود. نمونه هایی از این گفتگوهای هنری - که در شهرها اتفاق می افتد - بر روابط قدرت در جامعه شهری تاثیر می گذارد و هم چنین، به ایجاد حوزه های عمومی شهری کمک می کند؛ برای مثال یکی از این راه ها رشد کردن فضاهای عمومی شهری است.

برآمده از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی کنش‌گران است و فضای زیسته به تجربه مستقیم بودن در فضا بازمی‌گردد. به کلام دیگر، تجربه زیسته کنش‌گران در فضا است. این فضا نه بازنمایی شده است و نه انگاشته، بلکه فضای زندگی روزمره و فضایی واقعی است (Lefebvre, 1991: 53).

فضای دموکراتیک

تحقق دموکراسی، به‌عنوان یک قرارداد بین انسانی، نیازمند بستری شامل گروه‌های مردمی است؛ بنابراین، شهر می‌تواند بهترین بستر برای تحقق این موضوع باشد (King, 2004: 98)؛ چراکه انواع تعاملات و برخوردها و ارتباطات انسانی را در قالبی از گروه‌های مردمی در برمیگیرد (کریمیان و موسوی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۷). به‌طور مشخص، دموکراسی به‌عنوان یک مزیت بدیهی اجتماعی، می‌تواند جامعه شهری را به سطحی بالاتر از امر مطلوب انسانی ارتقا دهد. (Sennett, 1998: 42; King, 2004: 101). به‌مرور زمان، با گذار از دموکراسی مستقیم و ورود به دموکراسی غیرمستقیم، مفاهیم بسیاری به مانند مکان سوم^۲، قلمرو عمومی^۳، عرصه عمومی^۴ و قلمرو اجتماعی^۵ برای تعیین جنس و نوع فضاها، دموکراتیک شهری مطرح شدند. در روند طراحی، نه تنها بایستی ساخت مفهومی ایده عمل اجتماعی مهیا شود، بلکه لازم است تا بعد کالبدی و محیطی قابل لمس نیز به گونه‌ای طراحی گردد تا عرصه‌ای را برای عمل اجتماعی فراهم کند (Madanipour, 2003: 78).

همین‌طور برای برطرف کردن اختلافات و تناقضات خصوصی و عمومی و سپس، خلق زندگی شهری دموکراتیک، نیازی به تغییرات اساسی در نظام سیاسی و اجتماعی نیست، بلکه ایجاد محلی در خور ارتباطات آزاد -مانند نهادهای مردمی و یا فضاها، باز شهری- به‌سادگی می‌تواند کمک کند تا مردم مشکلاتشان را در بین خودشان حل کنند؛ هم‌چنین در این فضاها ترجیحات کاربران و رضایت‌مندی آن‌ها، آزادی فردی و جمعی، برابری طبیعی، حق بودن، رضایت عمومی، نظارت مردمی و مشارکت عمومی به‌عنوان اصل در نظر گرفته می‌شود (Berman, 1986: 476).

عرصه عمومی

عرصه عمومی، عرصه اعمال شهروندی جامعه‌های است که درگیر مناظره عمومی انتقادی است (Purcell, 2016: 387). هابرماس، عرصه عمومی را متشکل از افراد به‌مثابه واحدهای

خصوصی می‌داند (Habermas, 1991: 52).

نکته کلیدی در عرصه عمومی همان کنش است. در واقع، این کنش ابزار آشکارسازی است و مردم از طریق کنش برای یکدیگر آشکار می‌شوند (Bankston, 2010: 27). از طریق کنش است که موقعیت ایجاد و کنش فراهم می‌شود. به‌وسیله کنش، افراد امر غیرمنتظره را مطرح می‌کنند. هابرماس معتقد است، شهروندان و افراد خصوصی زمانی به‌منزله عموم عمل می‌کنند که بدون اجبار و اضطراب بتوانند به مسایل موردعلاقه مردم یا منافع و مصالح عمومی بپردازند؛ و این امر، زمانی امکان‌پذیر است که تضمین‌های لازم برای گرد هم آمدن و اجتماع آنان فراهم باشد (Habermas, 1991: 44). رفتار افراد در جریان مفاهمه در حوزه عمومی عمدتاً بر مبنای کنش‌های کلامی در شرایطی عادلانه، آزادانه، آگاهانه و برابر صورت می‌گیرد (Nozari, 2002: 29). از نظر هابرماس حوزه عمومی عرصه‌ای چند ذهنی و محل برخورد اندیشه‌ها و اذهان گوناگون کلامی است. حوزه عمومی، عرصه فکر، گفتگو، استدلال و زبان است (Faser, 2003: 11).

حوزه عمومی فضای اظهار نظر، مکالمه، بحث و چاره‌جویی در مسایل عمومی است. هر کس بالقوه حق و قدرت شرکت در این فضا را دارد (Ahmadi, 2001: 211) حوزه عمومی موردنظر هابرماس، ریشه در علایق حوزه خصوصی دارد که به‌واسطه گفتگو و مذاکره شهروندان درباره مسایل عمومی تشکیل می‌شود (Habermas, 1991: 44).

هابرماس ریشه‌های تاریخی و مکانی ظهور حوزه عمومی را در درون سالن‌ها و مجامع عمومی بحث‌های آزاد و علنی پیگیری می‌کند (Nozari, 2002: 29). حوزه عمومی فضایی است که در آن دموکراسی شکل می‌گیرد و در آن بستر عمل می‌کند؛ دموکراسی واقعی زمانی می‌تواند شکل بگیرد و تداوم پیدا کند که حوزه عمومی فراهم شده باشد (Guetzkow, 2002: 48).

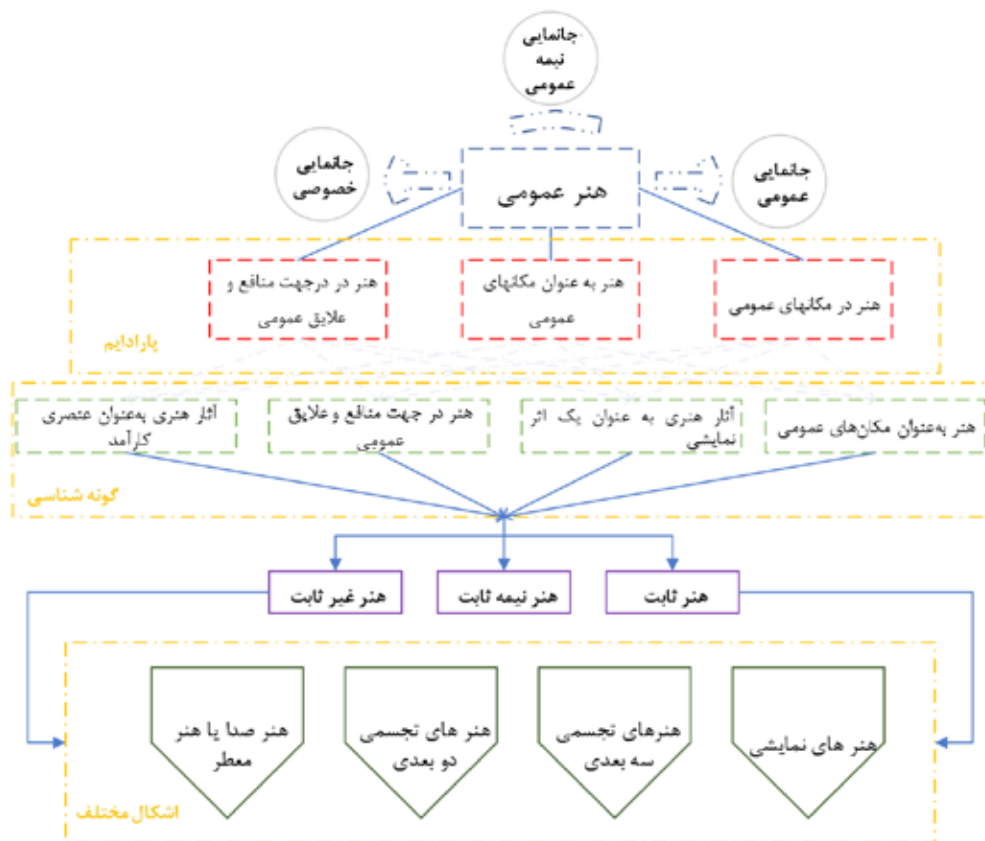
هنر عمومی

ریشه شکل‌گیری هنر عمومی از اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بوده است (Landi, 2012: 11) تا قبل از این دوره، هنر به‌صورت تأثیرگذاری در موزه‌های هنری مدرن و گالری‌ها شکل گرفت و از آن‌جا که در گذر زمان فضاهای عمومی ارتباط قوی و بلافاصله‌ای با موزه‌ها و گالری‌ها داشتند، مورد توجه قرار گرفتند که این امر، باعث آغاز بحث هنر عمومی شد (Landi, 2012: 11) در دهه ۱۹۳۰ فضاهای عمومی سراسر کشورها با نقاشی‌های دیواری، مجسمه‌ها و اشکال معماری انتزاعی مدرن پر شده بود (Landi,

(hinJasmi&NikMohamad, 2015: 12). این نوع آثار از محافظه کارانه ترین فرم های هنری هستند که با هدف مانایی و عدم تغییر ساخته می شوند (Shannon, 2013:2). در واقع، هنر عمومی، هنر مندر را در بر خورد با مسایل و دغدغه های زمانه در ارتباط مستقیم، با مخاطب قرار میدهد (Knight, 2008: 112). هنر عمومی از طریق شش پارادایم مشخص می شوند: هنر در مکانهای عمومی که به طور معمول یک مجسمه انتزاعی مدرن است و در خارج از خانه برای «تزیین» و یا «غنی سازی» فضاهای شهری جانمایی شده است (Senie, 2003:2). هنر به عنوان مکان های عمومی که کم تر شی گرا بوده و بیش تر در راستای افزایش آگاهی که منجر به ادغام هنر، معماری و چشم اندازها از طریق همکاری میان معماران، معماران منظر، طراحان شهری، مدیران شهری است (Miles, 1997:8). هنر در جهت منافع و علایق عمومی و با «سبک جدیدی از هنر عمومی» که اغلب و به طور موقت بر مسایل اجتماعی و نه محیط ساخته شده تمرکز دارد و شامل همکاری میان گروه های اجتماعی است (FalahinJasmi&NikMohamad, 2015: ۱۱). آثار هنری به عنوان عنصری کارآمد: آثار هنری که به کیفیت

(2012: 15) عمومیت هنر با محوریت مکان، در مفهوم هنر عمومی گسترش یافت (Guetzkow, 2002:48). واقع شدن در فضایی با دسترسی عمومی، به اثر هنر عمومی این امکان را میدهد که در معرض طیف گسترده تری از مخاطبان قرار گیرد (Sanie & Webster, 1998: 297). به این ترتیب، یک اثر هنر عمومی با انعکاس مسایل مذکور، می تواند هشیاری مخاطب را جلب نماید و زمینه واکنش را مهیا سازد. (Spayde, 2012:73) این گفتمان عمومی، ممکن است متشکل از مباحثات بین افرادی باشد که اثر هنری را تجربه می کنند (Cartiere & Zebracki, 2016: 3). یک اثر هنری در صورتی عمومی است که عرصه عمومی ایجاد کند، یا یک فضای عمومی از پیش موجود را گسترش داده یا بخشی فعال از آن شود (Pour Ahmad et al., 2010: 17). یک اثر هنری، اگر در دیالکتیک فضای عمومی محیط خود دخیل نباشد، عمومی نیست. در حقیقت، گفتمان عمومی نه حاصل، بلکه عامل عمومی خواندن یک اثر هنری است (Senie, 2003: 2). هنر عمومی بیانی از هنرمند و جامعه است که می تواند در فرآیندهای دایمی و موقت در فضاهای عمومی یافت شود (Fala-

نمودار ۱. جمع بندی حوزه های هنر عمومی (ماخذ: نگارندگان).



عرصه عمومی روح می‌بخشد (Pollock, 2012:33).

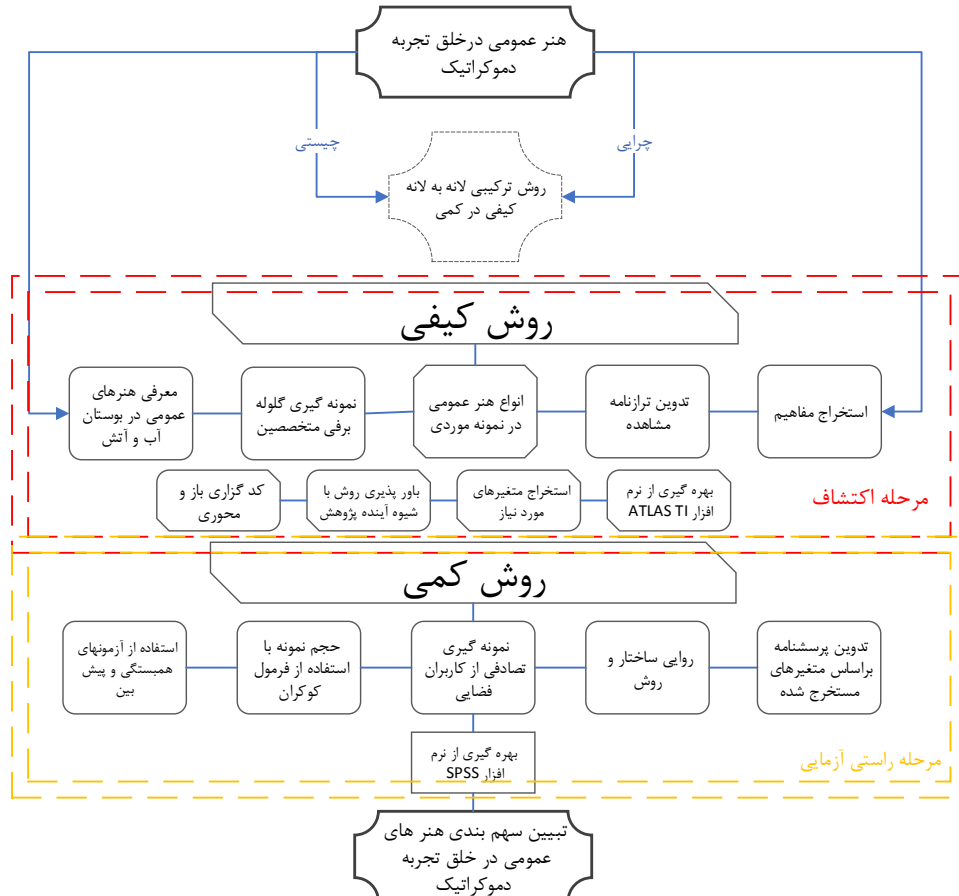
هنر عمومی به عنوان یک اثر نمایشی: هنرهای نمایشی موقت می‌توانند در قالب اثر اجتماعی عمل کنند که هنرمندان از صداها، حرکات بدن و باز اشیای برای بیان هنری استفاده می‌کنند. هنر عمومی به عنوان صحنه نمایش: آثار هنری چند رسانه‌ای، این نوع از هنر با ترکیب خلاقانه چندین هنر و صنایع دستی تلاش دارد تا مخاطبان را به شیوه‌ای نوین و منحصر به فرد درگیر کند (Remesar, 2005: 18). هنر عمومی بر حسب جانمایی آثار هنری در سه دسته عمومی، نیمه عمومی و خصوصی تقسیم بندی می‌شود. آثار هنری که در مکان‌های عمومی به نمایش گذاشته می‌شوند، آثار عمومی، آثار هنری که در محل‌هایی مانند کتابخانه‌ها، مراکز خرید و مدارس به نمایش گذاشته می‌شوند. آثار نیمه عمومی و آثار هنری که در جداره‌های اماکن خصوصی مانند خانه‌ها و شرکت‌ها به نمایش گذاشته می‌شوند، به عنوان آثار خصوصی طبقه‌بندی می‌شوند (Abu Bakar et al., 2014: 54). هنر عمومی بر اساس نوع حضور نیز به سه دسته ثابت، نیمه ثابت و غیر ثابت

تقسیم بندی می‌شود. هنر عمومی ثابت آثار هنری هستند که جزئی از زیرساخت اصلی همراه با کالبد و جدا ناپذیر باشد، مانند دیوارنگاری. هنر عمومی نیمه ثابت، آثار هنری که جزئی از زیرساخت‌های اصلی نبوده، متشکل از آثار هنری، مانند مجسمه و مبلمان و ... هستند و در مکانی قرار دارند که فضای کافی جهت استفاده و مشاهده داده شده است (Shannon, 2013: 49). هنر غیر ثابت مانند اجرای زنده هنرمندان، نمایش خیابانی و مسابقات می‌باشد (Shahabian & Haghghi, 2004: 92).

نمونه‌گیری

نمونه‌گیری کیفی: نمونه‌گیری کیفی نخست از ۲۰ متخصص که اشراف کامل بر هنر عمومی دارند و به صورت گلوله برفی انتخاب شدند، خواسته شد که به مکان‌های معرفی شده از لحاظ ترغیب‌کنندگی افراد به تجربه‌های دموکراتیک نمره ۱ تا ۱۰ بدهند و مکان‌هایی که امتیاز میانگین آن‌ها بالای ۵ بود، برگزیده شده و دوباره به متخصصین برای تایید انتخاب آن‌ها

نمودار ۲. جمع‌بندی روش تحقیق (ماخذ: نگارندگان). نمونه مطالعاتی: بوستان آب و آتش



بسته با پاسخ‌های پنج‌درجه‌ای طیف لیکرت، پرسش‌نامه تدوین شد. ساختار پرسش‌نامه شامل سوالاتی در رابطه با سوال اصلی پژوهش، یعنی بررسی میزان تأثیر مؤلفه‌های هنر عمومی در خلق و تجربه فضای دموکراتیک دهه ۸۰ در بوستان آب‌و‌آتش شهر تهران بود. به منظور انجام محاسبات، نمره ۵ برای «تأثیر خیلی زیاد» و نمره ۱ برای «تأثیر خیلی کم» از سوی هر متخصص در نظر گرفته شد و جهت به حداقل رساندن هزینه و زمان، پرسش‌نامه در میان نمونه تصادفی از جامعه آماری (کاربران فضایی بوستان آب و آتش) توزیع گردید. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شد که شامل ۱۶۸ نفر است که به تناسب جمعیت و تفکیک زن و مرد و به صورت تصادفی توزیع گردید. در ایران اواخر دهه ۸۰ پارک آب و آتش با مساحتی حدود ۲۴۰۰۰ مترمربع در شمال تهران مجموعه تفریحی اراضی عباس‌آباد افتتاح گردید. این بوستان به دلیل برخورداری از

جدول ۱. تخصص افراد مورد مصاحبه (ماخذ: نگارندگان).

مصاحبه‌شوندگان	تعداد	فراوانی	درصد تجمعی
اساتید پژوهش هنر	۷	۳۰	۳۰
اساتید معماری	۶	۳۵	۶۵
اساتید معماری منظر	۴	۲۰	۸۵
اساتید طراحی شهری	۳	۱۵	۱۰۰
مجموع	۲۰	۱۰۰	-

ارجاع داده شد. در گام بعدی، از آن‌ها خواسته شد که در پارک منتخب حرکت نمایند و هنرهای عمومی را که می‌بینند، و همچنین، علت تأثیر هر هنر عمومی مشاهده‌شده را ذکر کنند. این فرآیند تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه دارد. سپس، مطابق با اصول گراند تئوری به کدگذاری متون پرداخته می‌شود. نمونه‌گیری کمی: در گام بعدی، بنا به نظر کارشناسان و متخصصان و متغیرهای استخراج‌شده، به صورت پرسش‌نامه



تصویر ۱- تجربه دموکراتیک در فضا (ماخذ: URI1).



تصویر ۲- معرفی پارک آب‌و‌آتش (ماخذ: URI2).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های کیفی

همان‌طور که در طرح مساله بیان شد پرسش اصلی مولفه‌های هنر عمومی به چه میزان در خلق و تجربه فضای دموکراتیک دهه ۸۰ موثر بوده است؟ (نمونه موردی: بوستان آب و آتش شهر تهران) است و همچنین، تعدادی پرسش فرعی دیگر مطرح شده است. برای پاسخ‌گویی به این سؤالات مصاحبه‌های متعددی انجام گرفت (۲۰ مصاحبه با مطلعین هنر عمومی). در مرحله کدگذاری باز همان‌طور که جدول زیر نشان می‌دهد، ۱۵ مفهوم اولیه، در مرحله کدگذاری محوری ۵ مقوله عمده و در مرحله کدگذاری گزینشی ۱ مقوله محوری هسته استخراج شدند؛ و در مرحله بعد، متن مصاحبه در جستجوی مضامین مرتبط با سوال تحقیق، به صورت دقیق و کلمه به کلمه مطالعه و در هر نقطه از مصاحبه که مضمونی یافت می‌گردید، آن قطعه از مصاحبه انتخاب شده و یک مضمون توصیفی به آن نسبت داده شد و پس از کدگذاری توصیفی متن مصاحبه، به تفسیر معانی آن‌ها پرداخته شد. در این مرحله، بارها و بارها داده‌ها مرور شده و از زوایای گوناگون به آن توجه شده است؛ با استفاده از رویکرد کدگذاری زنده از خلال مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته، برای پاسخ به پرسش اصلی، ۷ سؤال پرسیده و نتایج شروع به کدگذاری شد.

برخی امکانات فرهنگی و هنری مانند پل ابریشم، لانه کبوتر، کالسکه‌رانی، فانوس دریایی، برج آتش، فضای بازی آب، آملی تئاتر، برگزاری مراسم نقالی و بناهای معماری خاص و همچنین، حضور افراد در بیش‌تر مواقع سال، به عنوان نمونه مطالعاتی - که واجد ویژگی‌های هنر عمومی است - انتخاب می‌شود که می‌تواند موجب تجربه زیست دموکراتیک از فضا گردد.

مجاورت پارک آب و آتش با مترو و چهار بزرگراه متقاطع، امکان دسترسی بخش‌های مختلف شهر به این فضا را میسر کرده است. از سمت بوستان طالقانی نیز پس از گذشتن از روی پل طبیعت به پارک آب و آتش راه دارد. برای ترغیب افراد حضور شبانه گروه‌های جوان جهت انجام ورزش صبح‌گاهی و سالی وجود دارد که آن‌ها را به انجام فعالیت‌های دسته‌جمعی ترغیب می‌کند.

در پارک آب و آتش فضای محدود نشستن از یک‌سو و مسیرهای طولانی دیدن و تجربه کردن پارک حضور و تفریح را برای سالمندان و کودکان محدود می‌کند. فاصله میان بخش‌های شمالی (پارک آب و آتش) و جنوبی (دریاچه)، شرقی (تپه عباس‌آباد) و غربی (راه چوبی) مسیرهای طولانی و گاهی پرفراز و نشیب برای سالمندان است.

جدول ۲. مفاهیم و مقولات استخراج شده به صورت کلی (ماخذ: نگارندگان).

از آن خودسازی فضا	پرسه زنی در فضا	پرسه زنی نوعی خود ابرازگری، پرسه زن مصرف کننده فضا است. پرسه زن تولید کننده فضا است.
	تجربه دموکراتیک از فضا	درگیر شدن گروه‌های مخاطب فعالیت دسته جمعی فرصت مداخله
	انواع تجربه هنرهای عمومی	هنرهای ثابت (انواع یادمان‌ها) هنرهای نیمه ثابت (نور) هنرهای غیر ثابت (هنرهای اجرا)
	تغییر کاربری فضا	تعاملات اجتماعی در طبقات مختلف تعاملات گفتاری و غیر گفتاری تکنیک‌های زبانی و بدنی
	تجاری شدن فضا	تغییر فضا هم‌سو با نیاز مخاطب بار عمومی شدن فضا کاسته می‌شود. عدم مصرف طبقات کم توان مالی و جسمی از فضا
	قهرمانان و تسهیل کننده‌ها	آرمان‌گرایی و اسطوره تجربه‌هایی از بازی‌های کودکی و تجربه‌های فانتزی تجسم خاطره‌های جمعی و تجربه‌های زیست مشترک
	هنر ثابت، غیر ثابت، نیمه ثابت	مجسمه‌های یادمانی و فانتزی، نورپردازی، هنر اجرا
۱ مقوله هسته	۷ مقوله عمده	۱۵ مفهوم اولیه

امر، این که بعضی از هنرها با فعالیت در فضا پدیدار می‌شوند و با حضور ثابت در فضا پدیدار نمی‌شوند؛ گزاره‌هایی زیادی در خلال مصاحبه‌های بیان شده در فضا مبتنی بر همین امر وجود دارد که می‌تواند باعث ادغام بعضی از فعالیت‌ها به‌عنوان هنر عمومی در فضا باشد.

وقتی که در فضا هستی بعضی هنرها و طرح‌های هندسی رو با حرکت در فضا درک می‌کنی، اینا برای افرادی هست که تو فضا سرعت دارن. یا باید فعالیتی داشته باشی یا حرکتی. برای افراد ساکن در فضا نیست؛ مثل دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی؛ جالبه طرح هندسی‌های محیط سر سبز اونجا زمانی درک میشه که حرکت کنی (کد: دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی).

بعضی از این هنرها مختص زمانی از شبانه‌روز می‌باشند و برای زمانی خاص طراحی شده‌اند. نورپردازی رنگارنگ یکی از آنهاست. شاید این هنرهای نیمه ثابت به‌خصوص نورافشانی و ایجاد هویت جدید نسبت به‌روز دلیلی موجه برای مشارکت جمعی افراد در فضا باشد (کد: نورافشانی رنگارنگ).

مصاحبه‌های صورت‌گرفته در ارتباط با هنر غیر ثابت (طبقه‌بندی هنرهای عمومی بر حسب مبانی نظری)

نمایش هم‌زمانی آب و آتش، فواره‌های آب و آتش، چشم‌انداز، جشن و مراسم، گروه‌های نوازندگی در خیابان در هنرهای غیر ثابت قرار می‌گیرند که می‌تواند پارامتر زمان به‌صورت اتفاقی روی آن تأثیر بگذارد. اتفاق و عدم پیش‌بینی بعضی از انواع هنرهای غیر ثابت نکته حایز اهمیت در این نوع هنر است. این نوع هنر از قبل توسط برنامه‌ریزان توان برنامه‌ریزی در بعضی از قسمت‌های آن وجود ندارد. چند نمونه از مصاحبه‌ها به شرح زیر می‌باشند:

بعضی شب‌ها هست که برنامه موزیکال با هماهنگی فواره‌های موجود در پارک نمایشی اجرا میشه خیلی قشنگ، مردم همه حضور دارند و فضای صمیمی به‌وجود می‌آید. بعضی از این فواره‌ها فقط برای مراسم به اونجا آورده میشن و برای توان بخشی به سناریوهای موزیکال از اون استفاده میشه (کد: فواره‌های آب و آتش) (کد: جشن و مراسم).

ساعاتی از طی روز چشم‌انداز متفاوتی از شهر و جنگل به شما ارائه میشه، خصوصیت این بوستان اینه که شما وقتی تو فضا حرکت می‌کنید، چشم‌اندازتون تغییر می‌کنه و این باز نسبت به نوع فصول متفاوت، به نظر من این پارک تونسته چند چیز رو کنار

گزیده‌هایی از مصاحبه‌های صورت‌گرفته در ارتباط با هنرهای ثابت (طبقه‌بندی هنرهای عمومی بر حسب مبانی نظری)

از واکاوی و بررسی عمیق مصاحبه‌ها، درون‌مایه اصلی هنر عمومی به‌کار رفته در بوستان آب و آتش و ترغیب اشخاص برای حضور در فضا و تجربه‌های دموکراتیک استخراج شد که در هنر ثابت دسته‌بندی می‌شود و شامل موارد مجسمه‌های یادمانی و فانتزی، کف‌سازی، دیوارنگاره‌ها، المان‌ها و... است. با پیدایش این عوامل اشخاص می‌توانند در فضا حضور یابند و در خلق تجربه دموکراتیک مبادرت ورزند. تعدادی از مصاحبه‌ها و کدهای مستخرج از مصاحبه با متخصصین، که مشخصات و ویژگی‌های آنها در جدول ۱ درج شده است، به شرح زیر می‌باشند:

الآن دیگه به خاطر کوچک‌تر شدن فضای خانه‌ها آدم‌ها تمایل به جاهای سرباز دارند که بتوانند در فضا قرار گیرند؛ اما برای اجتماع‌پذیری محیط باید پتانسیل‌هایی در زمینه خلق هنر عمومی داشته باشند، مجسمه‌ها و عناصر ثابت در فضای باز شهری می‌توانند منجر به خلق رفتارهای مشارکتی و جمعی شوند (کد: مجسمه‌ها و المان‌ها).

یکی دیگر از انواع هنر عمومی تأثیر ساختمان‌هاست شاید بتوان از فرم آن‌ها برای مقاصد خاصی استفاده کرد؛ یکی از این مقاصد خلق تجربه‌های دموکراتیک در فضاست که مشارکت جمعی این امر را ترغیب می‌کند (کد: فرم ساختمان).

ببینید هنر عمومی تأثیر بسزایی در این امر دارد؛ چراکه می‌تواند باعث ایجاد حس‌های گوناگون در افراد شود. وجه اشتراک حضور افراد در فضا همین عناصر است که به‌صورت جزیی و با کلی در فضا حضور دارد. کاربران فضا توجه خاصی به المان‌ها و فرم‌ها دارند. المان‌ها، احساس تعلق و تامل را به‌وجود می‌آورند. مانند میدان ایر در پارک شهر مادرید (اسپانیا). برای همین امر نیز هست که از طرح‌های هندسی و هم‌چنین از المان‌های تاریخی در فضا استفاده می‌شود. مردم برای دیدن، پا به این فضا می‌گذارند (کد: المان‌های تاریخی).

مصاحبه‌های صورت‌گرفته در ارتباط با هنر نیمه ثابت (طبقه‌بندی هنرهای عمومی بر حسب مبانی نظری)

نتایج بررسی‌های صورت‌گرفته در ارتباط با موضع هنر عمومی مشخص گردید که، تعدادی از هنرها هستند که به‌صورت غیر حضوری در فضا حضور دارند و به‌صورت تمام‌وقت در فضا حضور ندارند؛ اما نکته حایز اهمیت از منابع به‌دست‌آمده این

هم قرار بده؛ از جمله وجود پارک و فضای طبیعی و بکر (کد: چشم‌انداز طبیعی)

من خودم این تجربه رو دارم یه زمانی توی فضا حرکت می‌کنی صدای یک موسیقی به‌صورت گوش‌نواز شما رو جلب می‌کنه و شما به سمت صدا ناخودآگاه کشیده می‌شوید؛ ممکنه بعضی از این موسیقی‌ها مربوط به گذشته و یا حال باشه، ولی به‌خوبی تونسته مردم رو در فضا کنار یکدیگر جمع کنه و این نکته بسیار مهمی است؛ این‌ها نوازندگان دوره‌گردی هستند که همیشه در این پارک حضور ندارند و یا زمانی که حضور دارند در پارک جای ثابتی ندارند؛ این موسیقی‌دانان خیابانی توانسته‌اند مشارکت مردم را بیش‌تر کنند» (کد: نوازندگان خیابانی).

پس از تدقیق و کدبندی کدهای مستخرج شده از مصاحبه‌ها در سه گروه هنر ثابت و نیمه ثابت و غیر ثابت، از مصاحبه ۳۱ به بعد نتایج و کد استخراجی به اشباع نظری می‌رسد. تعداد این هنرهای مستخرج گردیده ۲۸ عدد است (نمودار ۳).

بر اساس مفهوم‌ها و مقوله‌های به‌دست آمده و از برقراری رابطه بین آن‌ها با محوریت مقوله مرکزی می‌توان نظریه زمینه محور به‌دست آمده از نهان داده‌ها را ارائه کرد. روایت ارائه‌دهنده این نظریه به شرح زیر است:

فضا است و در این عرصه عمومی امکان درک از فضا و به چالش کشیدن یا واژگون کردن نظم فضایی مسلط توسط کاربران فضا فراهم و باعث درهم شکستن فضا و جلب توجه مخاطبان گردیده است. این برهم زدن فضا، می‌تواند باعث هوشیاری مخاطب نسبت به محیطش شود و او را وارد مرحله تفکر سازد. از آن جایی که فضای زندگی روزمره و فضای واقعی به تجربه مستقیم بودن در فضا و فضای زیسته منجر می‌شود، شرایط بروز تجربه دموکراتیک در این فضا میسر گردیده و منجر به نوعی از گفتمان هنر عمومی می‌گردد. بر این اساس تجربه در این فضا به‌مثابه یک دارایی مشترک و قلمرویی برای تجربه سرزندگی، تحرک، تحول مداوم، پیوستگی و گسستگی است. نمایش نوع سلیقه‌ها و انتخاب‌های ذوقی و زیبا شناسانه در عرصه عمومی، این فضا را به عرصه حضور گروه‌های مختلف اجتماعی تبدیل می‌کند و در سایه برخی نشانه‌های متنوع، فشارهای ناشی از زندگی نوگرایی را کاهش می‌دهد. سرزندگی و پویایی، فعالیت‌ها و رویدادهایی از نوع بازیگوشی در گذراندن وقت یا رفتار فراغتی غیر آموزشی دارد. از طرفی، این فضا دارای رفتار دویله‌ای است، تجاری شدن بخش‌هایی از این فضا منجر به کاسته شدن بار عمومی بودن فضا می‌شود؛ در این صورت، طبقات کم‌توان جامعه

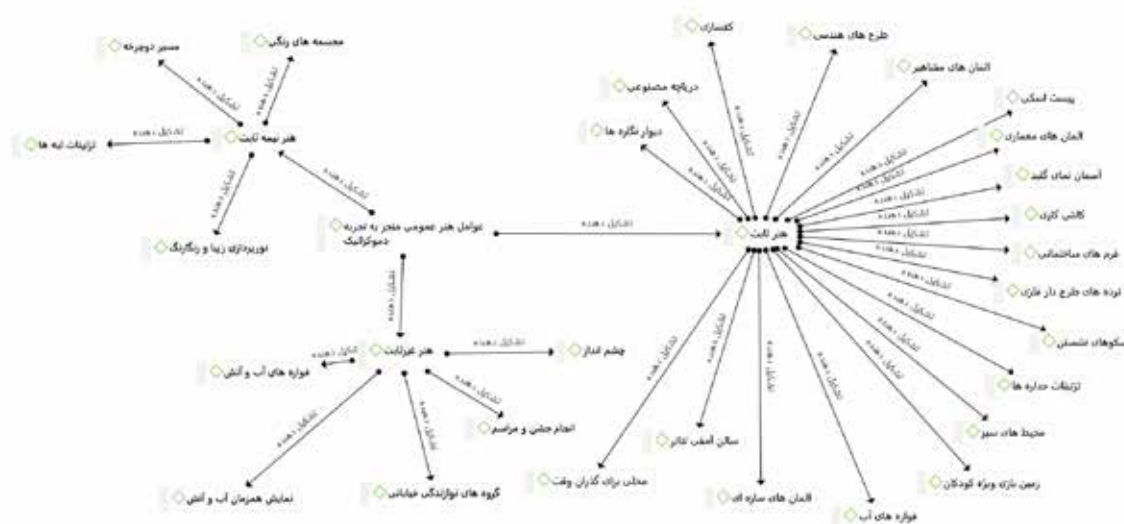


تصویر ۳- هنر عمومی موجود در پارک آب و آتش (ماخذ: URI1).

فرصت استفاده یک‌سان از فضا را خواهند داشت؛ مثلاً مسیرهای یک‌سره و بدون توقف پارک آب و آتش کاربران را بدون قصد قبلی به سمت رستوران‌ها و کافه‌ها هدایت می‌کند و این ذهنیت ایجاد می‌شود که حتی برای حضور در فضای عمومی باید هزینه مادی کرد. بنابراین، این وجه از فضا آسیب جدی به ماهیت اصلی آن خواهد زد. در حالی که پارک آب و آتش مولفه‌هایی انعطاف‌پذیر جهت تغییر کاربری دارد. خصوصیات این فضا با الگوهای رفتاری مخاطبان و تاکتیک‌های زبانی و بدنی ایجاد تعاملات کلامی و غیر کلامی می‌نماید و این ویژگی از فضا باعث توزیع کاربران از

پارک آب و آتش به‌عنوان نمونه مورد مطالعه به دلیل دارا بودن ویژگی‌ها و مولفه‌های هنر عمومی منجر به تشکیل اجتماعات انسانی شده و همین امر موجب شکل‌دهی به فضا و استفاده کاربران و تغییر فضا مطابق با نیازهای گروه‌های مختلف شده است. هر یک به‌نوعی اقدام به از آن خودسازی فضا نموده‌اند. زیرا ویژگی‌ها این فضا و امکانات آن، نحوه بهره‌برداری و نوع فعالیت‌های انسان را تعیین می‌کنند. هنر عمومی در این فضا به‌مثابه واسطی در عرصه ممارست تجربه دموکراتیک کاربران و مشارکت علنی و ایجاد یک گفتمان و در نهایت از آن خودسازی

نمودار ۳. کد استخراج مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته از مشاهده گران توسط نرم افزار اطلس تی (ماخذ: نگارندگان).



گروه‌ها و طبقات مختلف در فضا خواهد شد. نقش هنر عمومی در این جا باعث احساس تعلق جمعی به فضا و درگیر شدن گروه‌های مخاطب و فرصت مداخله و در نهایت، منجر به تجربه دموکراتیک می‌شود. پرسه زنی فرصتی برای خود ابرازگری و خود نمایشگری گروه‌های مختلف است؛ زیرا پرسه زن تولیدکننده و مصرف‌کننده فضا است. آثار موقتی و گذرای مورد استفاده در این فضا دارای خاصیت تعاملی، سیالیت زندگی با خاطره‌های زودگذر و تنش‌های روزمره هستند و اغلب ایجاد تجربه‌های جمعی و مشترک روزمره می‌نمایند؛ زیرا آن‌ها نماد و توصیفی از یک رویداد نبوده بلکه دلالت بر یک تجربه مشترک دارند. تجربه دموکراتیک از فضا تصویری از یک رویداد یا اتفاق است. این ویژگی غیر کالبدی و در واقع، عملکردی بودن یک رویداد است که سبب ثبت آن به صورت خاطره می‌شود. هنر عمومی با فراهم ساختن بستری برای بروز اتفاقی خاص فضایی برای تجربه

دموکراتیک ایجاد می‌کند و بستری برای رخ دادن رویدادهای مهم در ارتباط است. در این میان، آثار هنری به کار رفته در این پارک که از آثار موقتی، آثار دایمی، آثار مداخله‌ای، فعالیت‌های اجتماعی مشارکتی، هنر خدماتی، هنر اجراء، یادمان‌ها، یادواره‌ها، فعالیت‌های بینا شاخه‌ای و هنرهای رسانه مجازی از آن جمله هستند. با توجه به مقولات عمده و توضیحات ارائه شده فوق می‌توان گفت که مفهوم هسته «از آن خودسازی فضا» است، مقوله‌ای که می‌تواند کلیه مقولات و مباحث فوق را پوشش داده و نیز جنبه تحلیلی داشته باشد.

برای استخراج مؤلفه‌های هنر عمومی پس از مصاحبه و کدگذاری نتایج در نرم افزار Atlasti به صورت نمودار آبخاری استخراج و برجستگی هر کد به نمایش گذاشته می‌شود.

از نظر متخصصین، نرده‌های فلزی که در طراحی سازه آن از جدیدترین تکنولوژی‌های ساخت سازه‌های فلزی استفاده

جدول ۳. میزان برجستگی مؤلفه‌های استخراج شده (ماخذ: نگارندگان).

کف‌سازی	دریاچه‌ی مصنوعی	محیط‌های سبز	دیوارنگاره‌ها	آسمان‌نمای گنبد	فرم‌های ساختمانی	زمین بازی ویژه کودکان
۲۶	۱۲	۱۱	۲۹	۹	۲۷	۱۲
سالن آمفی تئاتر	سکوهای نشستن	فواره‌های آب	آلمان‌های سازه‌ها	کاشی کاری	پیست اسکی	آلمان‌های معماری
۷	۶	۱۸	۱۸	۱۴	۱۳	۱۷
آلمان‌های مشاهیر	محلی برای گذران وقت	تزئینات جداره‌ها	طرح‌های هندسی	نرده‌های فلزی	نمایش هم‌زمانی آب و آتش	گروه‌های نوازندگی خیابانی
۱۸	۱۹	۲۱	۲۱	۲۹	۲۸	۱۹
چشم‌انداز	انجام جشن و مراسم	مسیر دوچرخه	مجموعه‌های سنگی	نورپردازی زیبا و رنگارنگ	تزئینات لبه‌ها	فواره‌های آب و آتش
۱۷	۲۸	۹	۱۷	۲۵	۲۷	۲۴

می‌گیرند که بیش‌ترین آن به دیوارنگاره‌ها، المان‌های سازه‌ای، نمایش هم‌زمانی آب و آتش، انجام جشن و مراسم، نورپردازی زیبا و رنگارنگ که ضریب تعیین هر یک از آن‌ها ۱ است و سپس، فواره‌های آب و آتش المان‌های مشاهیر با مقدار (۰/۸۹۳) و فرم‌های ساختمانی با مقدار (۰/۸۴۶) در مرتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند و کم‌ترین آن‌ها، مجسمه‌سنگی مقدار (۰/۴۲۷) و سالن آمفی‌تئاتر با مقدار (۰/۳۶۲) است و بعد از پیست اسکی و قدرت با ضریب تعیین (۰/۴۶۷) می‌باشند. دیگر نشان‌گرهای دارای ضریب تعیین در محدوده متوسط بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

ارتباط هنر و فضای شهری در طول تاریخ موجب انتفاع هر دو پدیده بوده است؛ اما شتاب تحولات سده گذشته موجب چالش‌هایی در زمینه ارتباط هنر با فضاهای شهری در کشور ما شده؛ به گونه‌ای که هنر به کار گرفته شده در شهر بیش از هر چیز ماهیتی فرمایشی و الصافی دارد و نه مردمی. این پژوهش با استخراج مؤلفه‌های هنر عمومی توسط مصاحبه‌های عمیق بر پایه تجربه فردی افراد متخصص در فضا و راستی آزمایی آن توسط مخاطبین فضایی سعی بر آن داشت که به این پرسش مهم پاسخ دهد که سهم هر یک از هنرهای عمومی موجود در پارک آب و آتش به چه میزان در تولید فضا و تجربه دموکراتیک در فضا تاثیر می‌گذارد. در خلال بخش کیفی و مصاحبه‌های عمیق مشخص گردید که تعدادی از فعالیت‌ها در فضا هستند که باید صورت‌پذیرند؛ تا بتوان هنر عمومی مرتبط با آن را درک نمود. بنابراین، در این پژوهش، نوع فعالیت وابسته به هنر عمومی است. هنر در دوره‌های مختلف زمانی طیف وسیعی از اشکال گوناگون را به خود گرفته است و در دوره‌های تاریخی هنرمندان میل

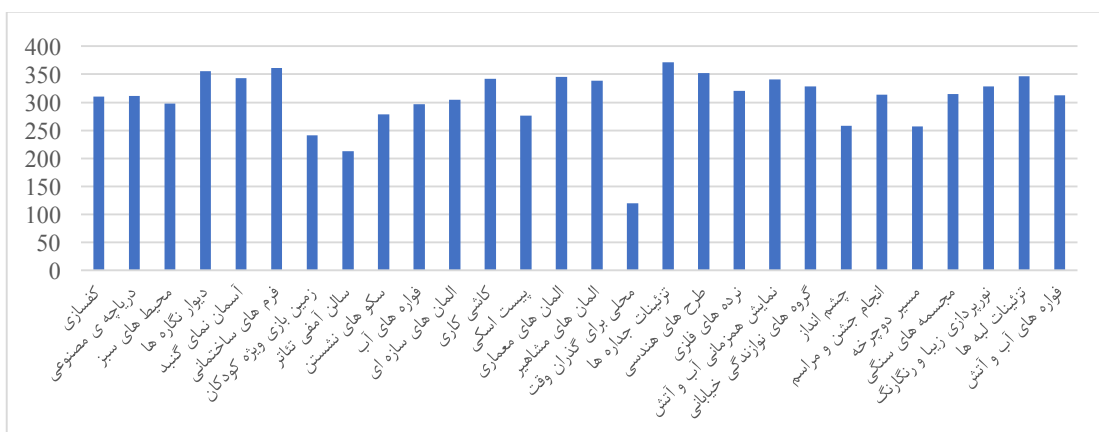
شده است و جزو هنرهای ثابت است در رتبه اول و سپس، انجام جشن و مراسم و نمایش هم‌زمان آب و آتش که جز هنرهای غیر ثابت هستند، موجب شده است که این پارک به محل برگزاری تئاترهای خیابانی، نمایش و آیین‌های سنتی در پارک تبدیل شود. این عوامل در رتبه دوم تاثیر گذاری بر خلق تجربه‌های دموکراتیک و جذب افراد به این پارک را دارند.

یافته‌های کمی

همان‌طور که ذکر شد، برای راستی آزمایی و سهم‌بندی تاثیر هر یک از ارکان استخراج‌شده از مردم عادی در این زمینه پرسش به عمل آمد. برای هر یک از متغیرهای هنر عمومی مستخرج شده از مصاحبه متخصصین در زمینه خلق تجربه دموکراتیک، پرسش‌نامه‌ای با طیف لیکرت تدوین گردید که برای هر متغیر از خیلی خوب تا خیلی بد پنج طیف در نظر گرفته شد و به صورت تصادفی بین مخاطبان توزیع شد. ۵۷٪ شرکت‌کنندگان مرد و ۴۳٪ زن و دارای تحصیلات غالب کارشناسی با ۵۳٪ و کارشناسی ارشد با ۲۲٪ و با ۹ درصد دکتری تخصصی و ۱۶٪ سایرین بودند. همان‌طور که در نمودار زیر مشخص است، بیش‌ترین توزیع فراوانی از نظر پاسخ‌دهندگان به ترتیب شامل تزیینات جداره‌ها و فرم‌های ساختمانی و کم‌ترین فراوانی مربوط به محلی برای گذران وقت است؛ که به نظر می‌رسد توسط مخاطبان فضایی به عنوان یک هنر عمومی پذیرفته نشده است.

در رگرسیون چند متغیره در هر مرحله متغیر مستقل را وارد یا حذف می‌کند؛ تا سرانجام به مدل بهینه دست پیدا کند. با نگاهی به معادله فوق می‌توان دریافت با افزایش یا کاهش یک واحدی از متغیرهای هنر عمومی و با ثابت بودن دیگر فاکتورها، متغیرهای موجود در آن به میزان‌های مختلفی تحت تاثیر قرار

نمودار ۴. توزیع فراوانی متغیرهای هنر عمومی توسط مخاطبان فضایی (ماخذ: نگارندگان).



جدول ۴. رگرسیون گام به گام عوامل مستخرج از مصاحبه با متخصصین فضایی (ماخذ: نگارندگان).

مقیاس	ضریب تعیین	F	B	β	t	معناداری	درجه آزادی
دیوارنگارها	۱/۰۰۰	۵۲۷/۲۲۲	۱/۰۰۰	۰/۷۸۱	۴۶/۵۲۲	۰/۰۰۰	۳۸۳
آسمان نمای گنبد	۰/۶۴۸	۴۰۵/۱۲۲	۱/۰۰۰	۰/۷۳۲	۴۲/۱۵۲	۰/۰۰۰	۳۸۳
فرم‌های ساختمانی	۰/۸۴۶	۲۱۷/۳۴۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۲	۴۰/۲۲۳	۰/۰۰۰	۳۸۳
زمین بازی ویژه کودکان	۰/۵۴۶	۱۹۹/۹۴۳	۱/۰۰۰	۰/۶۴۸	۳۸/۲۳۹	۰/۰۰۰	۳۸۳
سالن آمفی تئاتر	۰/۳۶۲	۲۰۱/۶۱۲	۱/۰۰۰	۰/۶۶۴	۸/۹۵۸	۰/۰۰۰	۳۸۳
سکوها نشستن	۰/۵۸۳	۶۴۳/۶۲۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۲	۱۱/۱۳۴	۰/۰۰۰	۳۸۳
فواره‌های آب	۰/۷۵۳	۸۴۹/۶۸۲	۱/۰۰۰	۰/۶۵۲	۱۸/۴۴۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
المان‌های سازه‌ای	۱/۰۰۰	۳۴۹/۶۰۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۵	۱۹/۱۴۴	۰/۰۰۰	۳۸۳
کاشی کاری	۰/۵۷۱	۱۸۴/۹۴۵	۱/۰۰۰	۰/۴۸۳	۴۹/۱۷۳	۰/۰۰۰	۳۸۳
پیست اسکی	۰/۴۷۰	۲۷۶/۷۴۸	۱/۰۰۰	۰/۴۶۴	۴۷/۹۶۳	۰/۰۰۰	۳۸۳
المان‌های معماری	۰/۷۹۵	۱۹۹/۹۴۳	۱/۰۰۰	۰/۴۵۲	۴۶/۲۲۶	۰/۰۰۰	۳۸۳
المان‌های مشاهیر	۰/۸۹۳	۴۹۹/۰۳۴	۱/۰۰۰	۰/۴۶۳	۴۷/۲۲۸	۰/۰۰۰	۳۸۳
محلی برای گذران وقت	۰/۴۶۷	۶۷۳/۶۴۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۲	۲۱/۳۴۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
تزئینات جداره‌ها	۰/۷۵۰	۴۸۹/۷۸۲	۱/۰۰۰	۰/۷۲۰	۲۵/۲۱۵	۰/۰۰۰	۳۸۳
طرح‌های هندسی	۰/۶۷۴	۴۸۹/۷۸۲	۱/۰۰۰	۰/۵۴۳	۱۹/۲۱۵	۰/۰۰۰	۳۸۳
نرده‌های فلزی	۰/۵۶۷	۴۸۹/۷۸۲	۱/۰۰۰	۰/۴۲۰	۱۸/۲۱۵	۰/۰۰۰	۳۸۳
نمایش هم‌زمانی آب و آتش	۱/۰۰۰	۳۸۲/۴۱۲	۱/۰۰۰	۰/۶۶۳	۲۰/۳۲۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
گروه‌های نوازندگی خیابانی	۰/۷۳۲	۶۵۶/۷۸۲	۱/۰۰۰	۰/۴۱۰	۲۵/۸۷۶	۰/۰۰۰	۳۸۳
چشم‌انداز	۰/۴۶۷	۶۷۳/۶۴۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۲	۲۱/۳۴۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
انجام جشن و مراسم	۱/۰۰۰	۶۴۵/۷۱۵	۱/۰۰۰	۰/۷۲۰	۲۵/۲۱۵	۰/۰۰۰	۳۸۳
مسیر دوچرخه	۰/۶۷۴	۵۴۶/۷۱۲	۱/۰۰۰	۰/۵۴۱	۱۹/۲۱۵	۰/۰۰۰	۳۸۳
مجسمه‌های سنگی	۰/۴۲۷	۳۱۸/۷۳۲	۱/۰۰۰	۰/۳۹۴	۱۸/۲۱۵	۰/۰۰۰	۳۸۳
نورپردازی زیبا و رنگارنگ	۱/۰۰۰	۳۸۲/۴۱۲	۱/۰۰۰	۰/۶۶۳	۲۰/۳۲۱	۰/۰۰۰	۳۸۳
تزئینات لبه‌ها	۰/۷۳۲	۶۵۶/۷۸۲	۱/۰۰۰	۰/۴۱۰	۲۵/۸۷۶	۰/۰۰۰	۳۸۳
فواره‌های آب و آتش	۰/۸۹۶	۶۷۳/۶۴۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۲	۲۱/۳۴۱	۰/۰۰۰	۳۸۳

بعضی انگاره‌های مشترک اجتماعی فرصت بسیار مناسب جهت احیای این انگاره‌ها و تلاش برای باز زنده سازی جامعه و روابط اجتماعی را به دست می‌دهد. نیاز به محیط‌های انسانی و پر جنب و جوش در شهرهای شلوغ و پراز دحام امروزی نیازی است که فکر تمامی مسئولین شهری از قبیل طراحان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری را به خود مشغول کرده است. هنر عمومی که بر گرفته و توصیف‌کننده روایت‌های تاریخی و برگزاری مراسم فرهنگی و یا جشن‌های دوره‌ای هم‌زمان با نورپردازی عناصر موجود در بوستان آب و آتش بیش‌ترین سهم را در ایجاد تجربه دموکراتیک توسط افراد دارد که می‌توان آن را بین تمامی نوع هنرها از لحاظ پراکنش ارزشی دانست و برای خلق تجربه

شدیدی به درگیری به زمینه‌های کالبدی و ذهنی جامعه از خود نشان داده‌اند و این موضوع زمانی با موفقیت به دست آمده است که کار هنری با یک مکان و یا با یک واقعه خاص پیوند خورده و هنر عمومی را به وجود آورده است. هنر عمومی می‌تواند به صورت‌ها و شکل‌های مختلفی از قبیل مجسمه‌های بزرگ و کوچک، دیوارنگاری‌ها، نقاشی‌ها، مبلمان فضای عمومی و... در فضاهای عمومی پدیدار شود. اما در این میان در کنار جذابیت‌های ایجادشده توسط هنر عمومی، مشارکت اجتماعی با توجه به جنبه‌های فرهنگی هر فضای عمومی تحت تأثیر گونه‌های مختلف هنر عمومی می‌تواند باعث ایجاد حضور هر چه بیش‌تر مردم شود؛ اتکای هنر عمومی به نوعی به اثر متقابل با عموم جامعه بر مبنای

دموکراتیک در پارک‌ها و مراکز باز شهری حضور هم‌زمانی تمامی هنرها نیاز است. هنرهای آمیخته با استعاره‌های مفهومی و معانی خاص در مرحله بعدی می‌باشند و در انتها هنرهای موردی می‌باشند.

پی‌نوشت

1. Lefebvre.

2. (Oldenburg, 1999: 103).

۳. نک. (Lofland, 1998: 98).

۴. نک. (Habermas, 1989: 13).

۵. نک. (Mitchell, 2003: 7).

منابع

- افضل طوسی، عفت السادات و فاطمی، فریماه (۱۳۹۹). «مطالعه روند آموزش خلاقیت به مثابه تجربه مخاطب در مجسمه‌های شهری». پژوهش هنر، دوره ۱۰، شماره ۲۰، ۱۱-۱۰.
- رستمی، مصطفی؛ سروی زرگر، رقیه و عینی، حجت‌الله (۱۳۹۵). «تبیین ارزیابی مؤلفه‌های هنر عمومی (نمونه موردی پارک لامپینی بانکوک وایل گلی تبریز)». باغ نظر، سال چهاردهم، شماره ۴۹، ۵۳-۶۴.
- زجاجی، نگار؛ طالب پور، فریده و رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۸). «سبک نوهنر عمومی به مثابه ابزار توسعه خلاقیت جمعی»، مبانی نظری هنرهای تجسمی، شماره ۸، ۶۵-۷۴.
- شهبابیان، پویان و حقیقی، ریحانه (۱۳۹۳). «واکاوی نقش هنرهای عمومی در موفقیت فضای شهری میدان نقش جهان اصفهان»، هویت شهر، دوره ۸، شماره ۱۹، ۸۹-۱۰۰.
- کاشی، محمدجواد غلامرضا (۱۳۸۵). «دموکراسی و فضای شهری»، آیین، شماره ۵، ۸-۱۱.
- کریمیان، حسن و موسوی‌نیا، سیدمهدی (۱۳۹۲). «آگورا و روابط اجتماعی-فرهنگی در آتن دوره کلاسیک» باغ نظر، دوره ۱۰، شماره ۲۴، ۱۳-۲۶.
- مرادی، سلمان (۱۳۸۶). «هنر عمومی و تلفیق آن با فضای شهری»، باغ نظر، دوره ۴، شماره ۸، ۲۸-۳۹.
- وحدت، سلمان و سجاده‌زاده، حسن (۱۳۹۵). «بررسی ارزیابی نقش هنر شهری در افزایش میزان حضورپذیری فضاهای عمومی با تأکید بر گرافیک شهری (نمونه موردی: پارک مردم همدان)»، پژوهش هنر، دوره ۶، شماره یازدهم، ۲۵-۳۸.
- Abu Bakar, N; Izzah, M; Mazlina, H; Nor, Z. (2014). *Vertical Greenery System as Public Art? Possibilities and challenges in Malaysian urban context Aesthetic*, social and economic developments.
- Ahmadi, B. (2001), *Modernity and critical thinking*, Tehran; Merck Publishing
- Bankston, C.L. (2010). *The Human Condition*, by Hannah Arendt. Laurence W. Mazzeno (ed.), Masterplots: Salem Press.
- Bashirieh, H. (2001). *Theories of culture in the twentieth century*, Tehran: Ayandeh Pouyan Cultural Institute.
- Berman, M. (1986). *Take it to the streets: Conflict and community in public space*, Dissent, Vol. 33, No. 4, 476-485.
- Cartiere, C; Zebracki, M. (2016). *The Everyday Practice of Public Art: Art, Space, & Social Inclusion*. London & New York: Routledge.
- Creswell, J. W. (2005). *Mixed Method, Conducting and evaluating Quantitative and qualitative research*, upper saddle river, 2005, Pearson Education.
- Falahin Jasmi, M; Nik Mohamad, N. H. (2015). *Role of Public Art in Malaysian Urban Landscape towards Improving Quality of Life: Between aesthetic and functional value*, Elsevire, AicOol2015Jakarta, Indonesia. AMERn International Conference on Quality of Life the Akmani.
- Fraser, N. (2003). *Reflecting on the Public Sphere of Participating in the Critique of Really Existing Democracy*, Translated by Shahriar Waqfipour, Tehran: Cultural Studies.
- Goodsell, C. T. (2003). *The Concept of Public Space and Its Democratic Manifestations*. The American Review of Public Administration, 33(4), 361-383.
- Guetzkow, J. (2002). *How the Arts Impact Communities*. Taking the Measure of Culture Conference.
- Habermas, J. (1991). *The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry into a Category of Bourgeois Society*. Cambridge, Massachusetts: MIT Press.
- Hall, T; Robertson, I. (2001). *Public Art and Urban Regeneration. advocacy*, claims and critical debates.
- Hein, H. (2004). *General Art*. Translation: Shahriar Waqfipour. Tehran: Academy of Arts.
- King, L.A. (2004). Democracy and city life, Journal of Politics, *Philosophy & Economics*, Vol. 3, No. 1, 97-124.
- Knight, Ch. K. (2008). *Public Art: Theory, Practice and Populism*. Massachusetts & Oxford: Wiley-Blackwell.
- Landi, P.J. (2012). *Public Art - Purpose and Benefits*, Exploring strategy in the New England.
- Lee, C; Corbin, J; Strauss, M. (2011). Physical activity and environment research in the health field: Implications for urban and transportation planning practice and research. *Journal of Planning Literature*, 19(2), 47-54.
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space, Donald Nicholsonsmith (trans)*, Oxford, Blackwell publishers.
- Lefebvre, H. (2009). *State, Space, World Selected Essays*. Edited by Neil Brenner and Stuart Elden. University of Minnesota

Press.

- Lofland L. (1998). *The public realm: exploring the city's quintessential social territory*, New York: Aldine De Gruyter.
- Madanipour, A. (2003). *Public and private spaces of the city*, London and New York: Routledge.
- Miles, M (1997). *Art, Space and the City*, Routledge, London, New York.
- Mitchell, D. (2003). *The right to the city: social justice and the fight for public space*. New York: Guildford.
- Mitchell, Don. (2010). *The End of Public Space? People's Park, Definitions of the Public, and Democracy*, Annals of the Association of American Geographers, Volume 85
- Miles, M (1997). *Art, Space and the City*, Routledge, London, New York.
- Moradi, S. (2007). Integration of public art and its integration in urban space, *Baghe Nazar*, No 8, 81-90.
- Muller, D.A. (2019). *The Role of Arts, Artists and Urban Space for a Fair City*, Procedia - *Social and Behavioral Sciences*, Volume 222(23), 22-58.
- Nozari, H. A. (2002). *Habermas recitation*, Tehran: Cheshmeh press.
- Oldenburg, R. (1999). *The great good place: cafes, coffee shops, bookstores, bars, hair salons and other hangouts at the heart of a community*, New York: Marlowe & Company.
- Ozsoy, A., Bayram, B. (2007). *The role of public art for improving the quality of public places in the residential environment*. Paper presented at ENHR International Conference: Sustainable Urban Areas, Rotterdam, The Netherlands.
- Pollock, V.L., Sharp, J. (2012). *Real Participation or the tyranny of participatory Practice? Public art and community involvement in the regeneration of the Raploch*, Scotland,
- Pour Ahmad, A., Habibi, K., Keshavarz, M. (2010). *The evolution of the concept of urban regeneration as a new approach in urban worn-out textures*, Iranian Cities Quarterly
- Purcell M. (2016). For democracy: planning and publics without the state. *Planning Theory*, Vol. 15, No. 4, 386-401.
- Remesar, A. (2005). *Urban Regeneration a Challenge for Public Art*. University of Barcelona: Department of Psychology-social.
- Senie H. F; Webster, S. (1998). *Critical issues in Public Art: Content, Context, and Controversy*. Washington: Smithsonian Books.
- Senie, H. F. (2003). *Responsible Criticism: Evaluating Public Art*. Sculpture, 22(10)
- Shannon, L. E. (2013). *Monuments to the 'New Woman': Public Art & Female Image Building in America, 1876-1940* (PhD thesis). University of Iowa. Retrieved from <http://ir.uiowa.edu/etd/1749>
- Sanoff, H. (2010). *Democratic design: participation case studies in urban and small town environments*, Saarbrucken, Germany: Verlag-Muller.
- Sennett, R. (1998). *The spaces of democracy, Raoul Wallenberg lectures*, Ann Arbor, Michigan, USA: University of Michigan Press.
- Spayde, J. (2012). Public Art and Placemaking. *Public Art Review*. Fall/Winter 2012.
- Zieleniec, A. (2007). *Space and Social Theory*, SAGE Publications Ltd.

URLs:

- URL1. <https://images.kojaro.com/2018/5/124c7064-ec7e-4425-a4bc-1a70d663d004-840x560.jpg> (access date: 01/05/2020)
- URL2. <https://intoday.ir/wp-content/uploads/2019/02/Ab-o-Atash-Park-33-780x470.jpg> (access date: 12/05/2020)

Identification and assessment of the public art components that contribute to creation of democratic atmospheres from the 1980s (Case study: Tehran's Ab-o-Atash Park)

Abstract:

public art in Iran has undergone dramatic changes since the beginning of its development, and especially after the 80s when Social and discourse arts started to give way to decorative, formalist and abstract art. As a result of this process, reconstruction discourse which characterized by its social function and brought about social harmony and solidarity started to fade. So, the development of human and vibrant environments in the densely populated cities of the contemporary age is a need that has obsessed all urban authorities such as designers, planners and policymakers. Thus, taking into account the role of audience in retrieving and utilizing the spaces devoted to art and public art activities and improving the quality of democratic spaces, the researcher made attempts to investigate the contribution of public art components to creation of democratic atmosphere of the 80s in Tehran's Ab-o-Atash Park. The Embedded Design Mixed Research Method was used to conduct the study. Atlasti and SPSS software were used in the qualitative and quantitative phases of the study, respectively. The results show that the public art components have most significantly contributed to creation of graffiti, structural elements, simultaneous displays, celebrations and lighting (each having a coefficient of determination of 1). Water fountains and elements devoted to celebrities and dignitaries (with coefficient of determination of 0.893) and building structures (with coefficient of determination of 0.846) were ranked second and third, respectively. The results showed that public art components have had the least contribution to creation of stone sculpture (0.427) and the amphitheater (0.362) and the ski resort (0.467) respectively.

In the years after Revolution the public art in social discourses affected by three decades' purgation or sublimation discourse in 1960s with a nostalgic and unifying moral function followed a public ethics and sustainability. With the end of the war and beginning of the 70s, the daily life in Iran has been changed a lot and the ethics of here is bravery and errantry of the what time gave way to rationality and computation of the construction period. New generation took a distance from the heroes of 60s to shape his daily life in another way. Therefore, the main confliction is that the heroism life is the dominance of the danger and violence and going to the danger, while the daily life is the dominance of the women and the reproduction and care. Iran had the experience of Revolution and war a head, needed to the features and ethics of heroism in art, not a mediocre ethic that avoids danger. In fact, in the 1370s more common and routine subjects were proceeded the martyr's wall paintings and fronts gave their way gradually to the decorative, formalist and abstract paintings). The lifestyle of the youth and the street wanderings cherry that were considered as a kind of idleness at the beginning of 1380s and were regarded as a fruitless routine in the civility sys-

Document Types:

Original/Research/Regular Article

Receive Date: 02 December 2020

Accept Date: 22 May 2021

Masoumeh Samadi Razleghi

Department of Art Research,
Faculty of Arts, Central Tehran
Branch, Islamic Azad University,
Tehran, Iran
Email: samadim251@iausr.ac.ir

Mohammad Reza Moridi

(Corresponding Author)
Department of Art Research,
Faculty of Theoretical Sciences and
Higher Art Studies, University of
Arts, Tehran, Iran moridi.
Email: mr@gmail.com

Parnaz Goodarz Parvari

Department of Visual Communica-
tion, Faculty of Arts, Central Tehran
Branch, Islamic Azad University,
Tehran, Iran
Email:
p.goodarzparvari@iauctb.ac.ir



tem, became the predominant form of youth life in the 1380s. They gained and uninhibited and free experience in wanderings that has trifled in all of the cultural, educational and political formations. Wandering is described as democratic urban consumer.

The loiterer is the hero of the daily life and interested in urban beauties and elegances at best. Wandering is the production of space; wandering is the art of daily life and how to use the space is important by the loiterer. The beautification discourse of 1380s, with the cultural function resulted in the public the esprit, social joy and enthusiasm and beautification discourse. In the meantime, the artistic events undergone some changes. The general art is also changing gradually from the idealistic pictures (Heroes) to the routine and interactive (facilitator) pictures and symbols. The events that can stabilize the discourse space and bring the general esprit, and social joy and enthusiasm and the discourse beautification. Generally, by entering the art to the general arena, the factors affecting the meaning of Art changed under the influence of the cultural, social and political situations and fields, the personal and public audience, the authority powers and artists, all of were effective in creating the meaning of art. This change in relations is somehow a change in the discourse, and this discourse method of the general art is the result of social functions, special time and place. This research has tried to answer below question with the purpose of considering the role of the audience in recapturing and seizing and how to use the space in relation to artistic activities and general art and qualitative improvement of the democratic space supporting those the general art components is effective in the democratic creation and experience of the Water and Fire Park.

* How much were effective the elements of the general art in creation and experience of the democratic space in the 80s, in the study sample of Tehran water and Fire Park?

The relationship between the art and urban space has been beneficial for both phenomena during the history, but the speed of the developments of the past century has caused challenges in the relationship between the art and urban spaces in our country, so that the applied art in the city has an ordered and attached nature, not popular. With the extraction of general art elements by the deep interviews based on the individual experience of experts in space and its verification by the special audiences, this research tried to answer this important question that: how much does the contribution of each of the general arts presented in the water and Fire Park effects on space production and the democratic experience in the space. During the qualitative section and the deep interviews, it was found that there are most of the activities in the space that should be accomplished to be able to comprehend the general art related to that, therefore, in this research the type of activity is dependent on general art. During the different periods of time the art has taken a void range of different forms and during the historical periods the artists have Sean is strong desire to engage via the physical and mental contexts of society and this issue have successfully gained when the artistic work has been connected with a specific place or event and has created the general art. The general art can be emerged in public spaces in different ways and forms such as the big and small statues, murals, paintings. public space furniture and, but in the meantime, along with the created charms by the general art, the social participation based on the cultural aspects of any public space under the influence of the different types of general art can make more people presented. the general art reliance in some way on interaction with the general public based on some common social ideas gives a very suitable opportunity for reviving these ideas and trying to revitalize the community and social relations. The need for human and vibrant environments in today's crowded cities is a need that has occupied the minds of all city officials including the urban designers, programmers and policy makers. The general art which is taken from and describes the historical narratives and holding ceremonies or periodic celebrations, simultaneously with the lighting of the elements in Water and Fire Park, have the greatest contribution in creating a democratic experienced by individuals which can be considered it equal among all kinds of arts in terms of value transmittal, and the simultaneous presence of all the arts is required. The arts mixed with conceptual metaphors and especial meanings are in the next stage and at last they are case arts.

Keywords: Public Art, 1980s, Democratic Experience, Public Space, Ab-o-Atash Park

References:

- Abu Bakar, N; Izzah, M; Mazlina, H; Nor, Z. (2014). *Vertical Greenery System as Public Art? Possibilities and challenges in Malaysian urban context Aesthetic*, social and economic developments.
- Bankston, C.L. (2010). *The Human Condition*, by Hannah Arendt. Laurence W. Mazzeno (ed.), Masterplots: Salem Press.
- Berman, M. (1986). *Take it to the streets: Conflict and community in public space*, Dissent, Vol. 33, No. 4, 476-485.
- Cartiere, C; Zebracki, M. (2016). *The Everyday Practice of Public Art: Art, Space, & Social Inclusion*. London & New York: Routledge.
- Creswell, J. W. (2005). *Mixed Method, Conducting and evaluating Quantitative and qualitative research*, upper saddle river, 2005, Pearson Education.
- Effatolsadat, A; Maryam, H. (2012). The Role of Religious Symbols in Visual Symbols of Iran's Contemporary Graphic Art, *National Studies, Journal*, Volume 13, Issue 49, Spring, Pages 135-161.
- Falahin Jasmī, M; Nik Mohamad, N. H. (2015). *Role of Public Art in Malaysian Urban Landscape towards Improving Qual-*

ity of Life: Between aesthetic and functional value, Elsevire, AicOoL2015Jakarta, Indonesia. AMERn International Conference on Quality of Life the Akmani.

- Fraser, N. (2003). *Reflecting on the Public Sphere of Participating in the Critique of Really Existing Democracy*, Translated by Shahriar Waqfipour, Tehran: Cultural Studies.
- Gholamreza Kashi, M.J. (1385). "Democracy and Urban Space", *Aeen*, No. 5, 8-11.
- Goodsell, C. T. (2003). *The Concept of Public Space and Its Democratic Manifestations*. The American Review of Public Administration, 33(4), 361-383.
- Guetzkow, J. (2002). *How the Arts Impact Communities*. Taking the Measure of Culture Conference.
- Habermas, J. (1991). *The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry into a Category of Bourgeois Society*. Cambridge, Massachusetts: MIT Press.
- Hall, T; Robertson, I. (2001). *Public Art and Urban Regeneration. advocacy*, claims and critical debates.
- Hein, H. (2004). *General Art*. Translation: Shahriar Waqfipour. Tehran: Academy of Arts.
- King, L.A. (2004). Democracy and city life, *Journal of Politics, Philosophy & Economics*, Vol. 3, No. 1, 97-124.
- Knight, Ch. K. (2008). *Public Art: Theory, Practice and Populism*. Massachusetts & Oxford: Wiley-Blackwell.
- Landi, P. J. (2012). *Public Art - Purpose and Benefits*, Exploring strategy in the New England.
- Lee, C; Corbin, J; Strauss, M. (2011). Physical activity and environment research in the health field: Implications for urban and transportation planning practice and research. *Journal of Planning Literature*, 19(2), 47-54.
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space, Donald Nicholsonsmith (trans)*, Oxford, Blackwell publishers.
- Lefebvre, H. (2009). *State, Space, World Selected Essays*. Edited by Neil Brenner and Stuart Elden. University of Minnesota Press.
- Lofland L. (1998). *The public realm: exploring the city's quintessential social territory*, New York: Aldine De Gruyter.
- Madanipour, A. (2003). *Public and private spaces of the city*, London and New York: Routledge.
- Miles, M (1997). *Art, Space and the City*, Routledge, London, New York.
- Mitchell, D. (2003). *The right to the city: social justice and the fight for public space*. New York: Guildford.
- Mitchell, Don. (2010). *The End of Public Space? People's Park, Definitions of the Public, and Democracy*, Annals of the Association of American Geographers, Volume 85
- Moradi, S. (2007). Integration of public art and its integration in urban space, *Baghe Nazar*, No 8, 81-90.
- Muller, D.A. (2019). *The Role of Arts, Artists and Urban Space for a Fair City*, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume 222(23), 22-58.
- Oldenburg, R. (1999). *The great good place: cafes, coffee shops, bookstores, bars, hair salons and other hangouts at the heart of a community*, New York: Marlowe & Company.
- Purcell M. (2016). For democracy: planning and publics without the state. *Planning Theory*, Vol. 15, No. 4, 386-401.
- Remesar, A. (2005). *Urban Regeneration a Challenge for Public Art*. University of Barcelona: Department of Psychology-social.
- Rostami, M; Sarvi Zargar, R; Eini, H. (2016). "Explanation and evaluation of the components of public art (case study of Lampini Park, Bangkok and Tabriz EilGoli)", *Bagh-e Nazar*, 14th year, No. 49, 53-64.
- Sanoff, H. (2010). *Democratic design: participation case studies in urban and small town environments*, Saarbrucken, Germany: Verlag-Muller.
- Senie H. F; Webster, S. (1998). *Critical issues in Public Art: Content, Context, and Controversy*. Washington: Smithsonian Books.
- Senie, H. F. (2003). *Responsible Criticism: Evaluating Public Art*. Sculpture, 22(10)
- Sennett, R. (1998). *The spaces of democracy, Raoul Wallenberg lectures*, Ann Arbor, Michigan, USA: University of Michigan Press.
- Shahabian, P; Haghighi, R. (2015). "Analysis of the role of public arts in the success of the urban space of Naghsh Jahan Square in Isfahan", *City Identity*, Volume 8, Number 19, 89-100.
- Spayde, J. (2012). Public Art and Placemaking. *Public Art Review*. Fall/Winter 2012.
- vahdat S, Sajadzadeh, H. (2016). *The Study and Evaluation of the Role of Urban Art in Increasing the Presence of Public Spaces with an Emphasis on Urban Graphics* (Case Study: Hamadan Mardom Park). ph. 6 (11) :25-38.
- Zieleniec, A. (2007). *Space and Social Theory*, SAGE Publications Ltd.
- Zojaji, N; Talibpour, F; Rafieian, M. (2018). "New style of public art as a tool for the development of collective creativity", *Mabni Honarhaye Tajossomi*, No. 8, 65-74.

URLs:

- URL1. <https://images.kojaro.com/2018/5/124c7064-ec7e-4425-a4bc-1a70d663d004-840x560.jpg> (access date: 01/05/2020)
- URL2. <https://intoday.ir/wp-content/uploads/2019/02/Ab-o-Atash-Park-33-780x470.jpg> (access date: 12/05/2020)